

سرشناسه :

عنوان و نام پدیدآور: لطف خدا و آرزوی رهایی ، شهریانو خلیلی ۱۳۴۹

مشخصات نشر: قم: عصر جوان، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۷۳-۲۲-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: قیبا

موضوع: دعا و نیایش

رده بندی کنگره: PIR ۴۳۲۷ / م ۲۷ د ۴

رده بندی دیویی: ۷۵۸/۲۰۸

شماره کتابشناسی ملی:



شناسنامه

نام کتاب: لطف خدا و آرزوی رهایی
نویسنده: شهریانو خلیلی
ناشر: عصر جوان
چاپخانه: توحید
سال انتشار: ۱۳۹۱
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول
قطع و صفحه: رقعی، ۲۵۶ صفحه
قیمت: ۴۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

قم، خ ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۶۷، انتشارات عصر جوان

تلفن: ۰۳۷-۷۷۳۰۰۳۷-۰۲۵۱ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۸۴۸۰

همراه مولف: ۰۹۱۷۹۰۴۳۰۹۶

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد

لطف خدا و آرزوی ربانی

نقل حکایتی واقعی

شهربانو خابلی



۷		مقدمه (تولدی دوباره)
۱۴		یاد خدا و غفلت از خدا
۳۷		نعمت های خداوند
۵۲		بی نمازی
۶۰		نافرمانی و عصیان
۶۷		خودکشی از ضعف ایمان است
۸۰		جهنم و بهشت
۹۲		قیامت
۱۰۰		قرآن
۱۰۸		مؤمنان
۱۲۱		نماز شب
۱۲۹		وصیت
۱۳۰		گذشت کردن از بدی های دیگران
۱۴۹		صبر بر بیماری
۱۵۱		صبر بر نداری و فقر

صبر بر معصیت و گناه	۱۵۲
صبر بر طعنه‌ها و سرزنش مردم	۱۵۴
صبر در کسب و کار و قناعت به روزی حلال	۱۵۷
ارزش قرض دادن و پاداش آن	۱۶۱
عمل صالح برای رضای خدا حتی اگر با مشقت زیاد باشد	۱۶۲
خدمت به پدر و مادر برای رضای خدا	۱۶۵
ترس از مرگ، مرگ کافران، مرگ مؤمنان	۱۷۳
مرگ کافران	۱۸۰
مرگ مؤمنان	۱۸۴
توبه	۱۸۸
جان دادن در راه خدا	۲۰۸
دوستی با خدای تعالی	۲۱۶
مناجات عارفین	۲۴۴
مناجات مفتقرین	۲۴۶
مناجات مریدین	۲۴۸
ذکر اسماء الهی	۲۵۰

مقدمه {تولدی دوباره}

بنام او که یادش هر لحظه که بر قلبم خطور می‌کند، بهاری
جانبخش و پر از شکوفه بر کویر خشک این دل غفلت زده‌ام
گسترده می‌شود و جانی تازه برای نفس کشیدن می‌گیرم. گویی که
ساعت‌های عمرم که بی‌یاد او می‌گذرد، ظلمت و مرگ در تمام روز
و شب بر قلبم سایه می‌افکند و فقط لحظه‌های اندکی که یادش به
دلم می‌افتد نسیمی روح‌افزا قلب سیاهم را جان می‌دهد و نفسی
تازه می‌گیرم تا از خطر هلاکت و مرگبار نجات یابم...

ای بهترین مربی و بهترین حافظ: مرا تربیت کن برای بندگی
محض نسبت به خودت و آنچه از دین نصیب کردی آن را تا لحظه
دیدارت حفظ بفرما.

اکنون که این کتاب را به یاری و خواست خداوند متعال
می‌نویسم، در حال گرفتاری به سر می‌برم! می‌پرسید چه گرفتاری؟
می‌گویم گرفتاری هوای نفس. شاید کسانی دیگر از شما باشند که
مثل من گرفتار باشند گرفتار خواهش‌های نفسانی که موجب غفلت
از یاد خدا می‌شود. اکنون چاره را در این دیدم که با یادآوری
الطاف خداوند متعال و سرزنش نفس فریبکار خودم، از اندوهم کم
کنم و تلنگری برای خودم و امثال من باشد تا تکانی بخورد این

وجدان خفته مگر بیدار گردد. در این کتاب خطاب به خودم کردم و هیچگونه شخصی را به غیر از خودم مستحق سرزنش نمی‌دانم. پس بیاییم اعمال خود را با اطاعت از پروردگار نیکو گردانیم و فقط از آیات الهی درس بگیریم...

بارها اراده کردم که درست شوم، اما هنوز نتوانستم از آخور دنیا سربلند کنم!! شاید شما بگویید چرا این خانم خودش را سرزنش می‌کند کسی که زندگی دنیا و خورد و خواب و تجملات دنیایی افکار و ذهن او را از بهاد حق تعالی غافل کرده چه درجه‌ای می‌توان به او داد؟ وای بر من اگر به این هیئت و به این شکل از دنیا بروم ...